

مفهوم شناسی شرط تبانی در فقه امامیه و حقوق مدنی ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۴/۲۹، تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۶/۰۲)

دکتر جهانبخش غدیری^۱

استادیار حقوق خصوصی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران

مرتضی قنبری

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران

چکیده

شرط تبانی از نهادهای تأسیسی فقهای امامیه است و در قوانین موضوعه ایران به جز در ماده ۱۱۲۸ به طور صریح، بدان اشارتی نشده است؛ حتی قانونگذار تعریفی از آن ارائه نکرده است و مفهوم آن را باید در تألیفات حقوقدانان یافت. شرط تبانی، شرطی است که قبل از عقد بر آن تبانی و توافق صورت گرفته و عقد بر اساس آن توافق شکل گرفته است؛ لکن در زمان ایجاد عقد، این شرط در متن عقد ذکر نشده است. شرط بنایی را می توان معیار سودمندی برای تشخیص آنچه که واقعا طرفین خواسته اند قرار داد. بدین جهت و با توجه به اهمیت بررسی موضوع مذکور، مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی شروط تبانی پرداخته است. ابتدا به بیان مفهوم شرط از دیدگاه فقها و حقوقدانان پرداخته شد و مفهوم شرط تبانی در عقود و قراردادها از این دو منظر مورد بررسی قرار گرفت. در نتیجه مشخص شد برخی از حقوقدانان شرط تبانی را از مصادیق شرط ضمنی می دانند لکن تفاوت هایی قائل هستند.

واژگان کلیدی: حقوق موضوعه، شرط، شرط تبانی، فقه امامیه

^۱ نویسنده مسئول (jghadiri1349@yahoo.com)

امروزه و باتوجه به گسترش حجم مبادلات تجاری، اقتصادی و بازرگانی مبحث قراردادهای در تألیفات حقوقی و در نگاه قانونگذار، از اهمیت ویژه‌تری برخوردار شده است. لذا قانونگذار همواره در تلاش است تا با وضع قوانین مقتضی، در جهت رشد و توسعه اقتصادی جامعه بکوشد. یکی از مهمترین مسائلی که در بحث حقوق قراردادهای مورد توجه نویسندگان حقوقی و قانونگذار قرار می‌گیرد، شروط ضمن عقد است. طرفین معامله، بسیاری از خواسته‌های خود را در قالب شروط ضمن عقد بیان می‌کنند. شاکله اصلی هر قرارداد ایجاب و قبول است؛ در حقیقت، بیشتر محتویات یک قرارداد، همان شرایطی است که طرفین نسبت به آنها توافق نموده‌اند. به عبارت دیگر شرط ضمن عقد، تعهدی است که در متن قرارداد آورده می‌شود و بر اثر آن، نوعی وابستگی و علاقه بین عقد و شرط به وجود می‌آید که شرط حالت تعهد تبعی می‌یابد. اگرچه افراد از این تأسیس برای تحقق خواسته‌ها و اهداف خود سود می‌برند، اما به کارگیری شرط، بی‌ضابطه و فاقد معیار نبوده، تابع موازین خاصی است. هر شرطی الزام‌آور نیست. لذا متعاقدين نمی‌توانند با رهایی از شرایط عمومی صحت معاملات، شرط را به مثابه شگردی برای برتری جویی و تحصیل امتیازات ناروا به کار برده و با درج خواسته‌های نامشروع در عقد از تبعات آن مصون مانده، انتظار لزوم وفا از چنین شرطی داشته باشند. بنابراین صحت و فساد شرط، فرع بر اعتبار آن است (مقصودی و همکاران، ۱۴۰۰). لکن، شروطی هم هستند که ضمن عقد قرار نمی‌گیرند، به بیان بهتر، در متن عقد و قرارداد آورده نمی‌شوند و مبنای توافق طرفین هستند. به چنین شروطی، شروط بنایی یا تبانی می‌گویند (خدمتگزار، ۱۳۸۹).

قانونگذار در ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی^۱، به‌طور صریح، اعتبار شروط بنایی (شروط تبانی) را پذیرفته‌است. آراء قضایی متعددی نیز برای تصدیق پذیرش شروط تبانی در دستگاه قضا می‌توان مشاهده نمود. اگرچه مواد قانونی زیادی برای مفهوم مزبور در قوانین موضوعه ایران یافت نمی‌شود، اما حقوقدانان تا حدود قابل توجهی به این مسئله پرداخته‌اند. اما مسئله اساسی توجه بزرگ فقهای امامیه به این مفهوم است؛ تا حدی که می‌توان به جرئت، شرط تبانی را ابتکار فقه امامیه دانست. لذا بررسی موضوع مورد مطالعه از دیدگاه فقهای امامیه از اهمیت بسیار ویژه‌ای برخوردار است و صرفاً بررسی حقوقی آن، گره گشا نخواهد بود. با توجه به موارد فوق‌الذکر، سؤالاتی به ذهن متبادر می‌شود که مهمترین آن‌ها عبارتند از: ماهیت فقهی شرط تبانی چیست؟ ماهیت حقوقی شرط تبانی چیست؟ شرط تبانی چه تفاوتی با سایر شروط دارد؟ قلمرو شرط تبانی در حقوق موضوعه ایران چگونه است؟

در مقاله حاضر کوشیده شده است تا با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای به بررسی فقهی و حقوقی شرط تبانی از دیدگاه فقهای امامیه و حقوق موضوعه ایران پرداخته شود و حتی‌المقدور به سؤالات مذکور پاسخ کاملی داده شود. برای دستیابی به چنین مهمی لازم است تا ابتدا مفهوم شرط در قراردادها و عقود از دیدگاه فقهی و حقوقی مورد کاوش قرار بگیرد و سپس به بحث اصلی مقاله که همان شروط تبانی است، ورود پیدا کرد. لذا مقاله حاضر به دو بخش مفهوم‌شناسی شرط و مفهوم‌شناسی شرط بنایی از دیدگاه فقها و حقوقدانان تقسیم‌بندی می‌شود. در نهایت با بهره‌گیری از روش قیاسی - استقرایی به نتیجه‌گیری از داده‌های منتخب پرداخته شد.

^۱ هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متبانیاً بر آن واقع شده باشد.

بخش اول: مفهوم شناسی شرط

زمانی که صحبت از مفهوم شناسی شرط به میان می‌آید دو واژه جلب نظر می‌کند. برای دستیابی به مفهوم شرط باید دو واژه «مفهوم» و «شرط» مورد بررسی قرار بگیرند. مفهوم در لغت به معنای دانسته شده و آنچه به فهم و ادراک در آید (عمید، ۱۳۸۶) آمده است و در اصطلاح اصولی «عرفوا المنطوق بانه حکم مذکور فی الکلام لموضوع مذکور و المفهوم بانه حکم غیر مذکور تسلزمه خصوصیه المعنی المذکور» است (مشکینی، ۱۳۸۱). اصولیون در تعریف منطوق آورده‌اند؛ منطوق مدلولی است که مستقیماً از لفظ و کلام فهمیده می‌شود و مفهوم مدلولی است که در کلام نیست، ولی از کلام استنباط و فهمیده می‌شود. مثلاً در جمله «اگر فردا باران نیاید به مسافرت خواهیم رفت»، خود جمله منطوق است، و مفهومش این است که «اگر فردا باران بیاید به مسافرت نخواهیم رفت». مفهوم در اصطلاح اصولیون در مقابل منطوق می‌باشد (ملکی، ۱۳۸۱). لذا در ادامه به بررسی معنای شرط و مفهوم آن در دیدگاه فقها و حقوقدانان می‌پردازیم.

بند اول: لغت شناسی

شرط در لغت به معنای علامت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق)، عهد، پیمان و تعلیق چیزی به چیز دیگر (تهانوی، ۱۳۷۶) است و همچنین در معنای شرط آمده است: «إلزام الشيء و التزامه فی البیع» (شرتونی، ۱۴۱۶ق)؛ الزام کردن به چیزی و ملتزم شدن به آن را در بیع گویند.

بند دوم: مفهوم فقهی

شهید اول است در القواعد و الفوائد در خصوص مفهوم شرط می‌فرماید: «شرط در لغت به معنی علامت و نشانه است؛ و در عرف، آن چیزی است که تأثیر گذاری مؤثر بر وجود آن متوقف است نه وجود خود مؤثر. از ویژگی‌های آن، این است که از عدم آن، عدم مشروط لازم می‌آید؛ ولی از وجود آن، وجود مشروط حتمی نیست؛ مانند شرط طهارت برای نماز و سال برای زکات (شهید اول، بیتا).

همچنین مرحوم ایروانی برای شرط، یک معنی بیش‌تر قائل نیست و می‌کوشد معانی اصطلاحی را هم به همان یک معنی برگرداند. ایشان در خصوص تعریف شرط می‌فرمایند: «شرط در عرف تنها یک معنی دارد و آن عبارت است از تقیید چیزی به چیز دیگر. گاه این تقیید، واقعی است، مانند تقیید معلول به علت؛ و گاه اعتباری است و به سبب جعل جاعل است، مانند شرط در ضمن عقد (ایروانی نجفی، ۱۳۸۴). مرحوم آیت الله خویی نیز مانند مرحوم ایروانی، تنها یک معنی برای شرط قائل است و معانی اصطلاحی را هم به همان معنی عرفی برمی‌گرداند. ایشان نیز با اختلاف در تعبیر، همان معنایی را که مرحوم ایروانی قائل بودند، برای شرط قائل است؛ ایشان می‌فرماید: «ظاهر آن است که شرط در جمیع موارد به یک معنا است و آن ربط و ارتباط و منوط ساختن است؛ و این چنین نیست که شرط دارای معنای عرفی و اصطلاحی باشد بلکه همه این‌ها به یک معنی برگشت می‌کند (توحیدی، ۱۳۷۷). شرط همانند بسیاری از مفاهیم کلی دیگر به اعتبارهای مختلف قابل تقسیم است. شرط به اعتبار جاعل، به شرط عقلی، عرفی و شرعی تقسیم می‌شود؛ به اعتبار محتوا، به شرط فعل، نتیجه و وصف تقسیم می‌شود.

شرط به اعتبار ذکر آن و جایگاهی که گفته می‌شود، به شرط ابتدایی، تبانی و ضمنی تقسیم می‌شود که بحث مورد نظر مطالعه حاضر نیز همین است.

بند سوم: مفهوم حقوقی

در اصطلاح حقوقی، به تعهدی که ضمن تعهد دیگر قرار داشته؛ و به صورت تبعی درآمده و جزئی از عقد اصلی می‌گردد؛ شرط گویند (علامه، ۱۳۸۵). همچنین بر اساس تعریفی دیگر، به توافقی که ضمن عقدی، به جهت تغییر آثار آن قرارداد، انشاء می‌گردد؛ شرط گویند. به موضوع یا متعلق شرط، «مشرط» گویند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸). به علاوه شرط در معنای تخصصی حقوقی، از معنای لغوی آن دور نیفتاده است و در آن در معنای محصولی عبارت است از تعهد مستقیم و یا غیرمستقیم مرتبط به عقد مشروط و در معنی مصدری عبارت است از مرتبط کردن تعهد مستقیم یا غیر مستقیم به عقد مشروط، به اراده طرف‌های آن که در این اصطلاح تعلیق خارج از معنای تخصصی شرط است (شهیدی، ۱۳۸۶).

بخش دوم: شرط تبانی

شروط در عقود بر اساس جایگاهی که مطرح می‌شوند و گفته می‌شوند به سه دسته شروط ابتدایی، شروط تبانی یا بنایی و شروط ضمن عقد تقسیم بندی می‌شوند. در این بخش به بررسی فقهی و حقوقی شرط تبانی پرداخته می‌شود.

بند اول: معناسناسی

شرط تبانی واژه‌ای است مرکب و معمولاً در کتب لغوی و فرهنگ‌نامه‌ها واژه‌های مرکب بررسی نمی‌شوند؛ از این رو، این اصطلاح به طور خاص در کتب لغوی نیز موجود نیست. لذا

برای بررسی لغوی «شرط تبانی» لازم است تا دو واژه «شرط» و «تبانی» به طور جداگانه بررسی شوند. گفته شد که شرط تعلق چیزی به چیز دیگر است. تبانی نیز در لغت به معنای با یکدیگر هم دست شدن برای انجام کاری، با هم سازش کردن و هم دست شدن برای اقدام به امری و ساخت و پاخت آمده است (عمید، ۱۳۸۶؛ معین، ۱۳۸۶). بنابراین از ترکیب معنای دو واژه مذکور، می‌توان دریافت که معنای لغوی شرط تبانی از معنای اصطلاحی آن تبعیت می‌کند.

بند دوم: مفهوم فقهی

شرط تبانی، یکی از شروطی است که نزد فقهای امامیه مورد بحث بوده است و این اصطلاح توسط میرزای نائینی به کار رفته است (غروی نائینی، ۱۳۷۳). مفهوم شرط بنایی در آثار برخی از فقهای امامیه به وضوح دیده می‌شود؛ مثل شیخ طوسی، علامه حلی، شهید اول، شهید ثانی، شیخ انصاری و ... اما در موارد فوق هم به بیان تعریف خاص و دقیقی از شرط تبانی پرداخته‌اند، بلکه صرفاً مصادیق و احکام آن را بیان کرده‌اند. برای مثال شهید اول در کتاب القواعد و الفوائد قاعده‌ای مطرح می‌کند که در ذیل آن شرط مقدم بر عقد را باطل می‌داند که یکی از مصادیق شرط قبل از عقد، شرط بنایی است؛ اما تعریفی از آن ارائه نکرده است: «کل شرط تقدّم العقد او تأخّر عنه فلا اثر له» (عاملی، ۱۴۱۹ق). به علاوه شیخ طوسی در این خصوص بیان داشته‌اند: «شروط النکاح، تكون بعد العقد لان ما يكون قبل العقد لا اعتبار به و انما الاعتبار بما يحصل بعده. فان قبلت الشرط الذي وقع قبل العقد مضى العقد و الشرط و الا فكان ما تقدّم من الشروط باطلاً و العقد غير صحيح؛ شروط عقد نکاح باید پس از عقد مطرح شود، زیرا شرط قبل از عقد اعتباری ندارد و فقط شرط بعد از عقد دارای اعتبار و اثر است. البته اگر زوجه در ضمن عقد، شروط قبل از عقد را بپذیرد، عقد و شرط نافذ است و گرنه

شروط قبل از عقد بی اثر است و عقد نکاح هم باطل خواهد بود. این متن نیز شروط مقدم بر عقد را بی اعتبار معرفی می کند که یکی از مصادیق شروط قبل از عقد، شرط تبانی است» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق). به طور کلی می توان آراء فقهای امامیه را در ارتباط با پذیرش شرط تبانی به دو دسته تقسیم بندی کرد:

۱- مشهور فقیهان معتقدند شرط باید در متن عقد ذکر گردد؛ در مقابل عده ای هم گفته اند در صورتی که قبل از عقد درباره آن شرط گفت و گو شده باشد و متعاقدين در حين عقد به آن توجه داشته باشند و عقد را مبتنی بر آن انشا کرده باشند، این شرط صحیح است و لازم الوفا. شیخ انصاری از جمله کسانی است که اعتبار این شرط را لازم می داند، می فرماید: «الشرط الثامن: أن يلتزم به في متن العقد، فلو تواطيا عليه قبله لم يكف ذلك في التزام المشروط به على المشهور، بل لم يعلم فيه خلاف (شیخ انصاری، بی تا)؛ التزام به شرط باید در متن عقد باشد و تواطی و تبانی قبل از عقد کفایت نمی کند؛ مشهور بر این عقیده اند بلکه خلافی شناخته نشده است».

۲- در برابر، عده ای از جمله صاحب جواهر، سید کاظم یزدی، محقق اصفهانی، میرزا حبیب الله رشتی و آیت الله خویی، مشروع بودن شرط بنایی و الزام آور بودن آن را پذیرفته اند و در حقیقت تصریح شرط در متن عقد را لازم ندانسته اند (نجفی راد، ۱۳۹۱).

بند سوم: مفهوم حقوقی

شرطی که پیش از عقد، طرفین نسبت به انضمام آن به عقد توافق کرده و عقد را با لحاظ پذیرش آن انشاء می کنند، شرط تبانی یا بنایی گفته می شود (شیرزادی و همکاران، ۱۳۹۷).

همچنین در تعریف آن گفته شده که اگر مذاکره قبلی راجع به شرط، بین متعاملان به صورت مذاکره مقدماتی به عمل آمده و تعهداتی بین متعاملان واقع شده ولی در متن عقد از آنها اسمی برده نشده است، شرط توافق شده از نوع شرط تبانی است (افتخاری، ۱۳۸۲). در قانون مدنی ایران نیز صراحتاً از شرط تبانی یاد نشده است؛ اما در موارد متعدد به این شرط اشاره و استناد شده است؛ مثلاً در مواد ۱۱۱۳ و ۱۱۲۸ قانون مزبور. برخی حقوقدانان نیز تعبیری دراین خصوص ارائه کرده‌اند. استاد صفائی در این خصوص بیان کرده‌اند: تبانی طرفین بر صفت که در حکم تصریح در عقد است، زمانی صدق می‌کند که وجود صفت قبل از عقد مورد توافق صریح طرفین واقع شده و هنگام عقد بنای طرفین بر آن بوده و یا از مذاکرات قبلی و اوضاع و احوال قضیه بر حسب عرف استنباط شود که صفت، مورد نظر طرفین بوده و عقد بر اساس آن (و به تعبیر قانون مدنی متبانیاً بر آن) واقع شده است. مثلاً اگر کسی از دختری که شوهر نکرده و در دبیرستان تحصیل می‌کند و رفتار و آرایش دخترانه دارد، خواستگاری و با او ازدواج نماید، بر حسب عرف و عادت اجتماعی ما، باکره بودن او هنگام عقد مورد نظر است، هر چند که صریحاً در سند نکاح شرط نشده باشد، پس اگر بعد از عقد آشکار شود که زن باکره نبوده است، شوهر حق فسخ نکاح را خواهد داشت (صفائی، ۱۳۶۸). استاد کاتوزیان نیز در خصوص مفهوم شرط تبانی بیان داشته‌اند: «یکی از اقسام شروط ضمنی که طبیعت ویژه خود را دارد شرط بنایی یا تبانی است. مقصود از شرط تبانی مفهومی است که در عقد بیان نشده ولی نشانه‌هایی از گفتار و رفتار دو طرف در دست است که بر آن پایه تراضی کرده‌اند و پیش از عقد نسبت به آن توافق داشته‌اند» (کاتوزیان، ۱۳۸۳).

نتیجه گیری

با توجه به هدف مقاله حاضر که بیان مفهوم فقهی و حقوقی شرط تبانی از دیدگاه فقهای امامیه و حقوق موضوعه ایران است و با توجه به مطالب بیان شده در مطالعه حاضر می توان گفت که شرط، الزام و التزامی است که در ضمن عقد قرار گرفته و مربوط به آینده است که حدوث یا زوال تعهد منوط به آن است. که این شروط از دیدگاه جایگاه بیان و ذکر عمدتاً به سه دسته شروط ابتدائی، تبانی و ضمنی تقسیم بندی می شوند. شرط تبانی را می توان ابتکار فقهای امامیه دانست و ورود آن به قانون مدنی ناشی از الهام گرفتن قانونگذار از فقه امامیه است. لذا تعریفی که از سوی فقها و حقوقدانان برای شرط تبانی ارائه شده است، به یک شکل می باشد؛ شرط تبانی عبارت است از شرطی که قبل از عقد طرفین بر التزام به آن توافق کرده و عقد را بر اساس آن واقع کنند، ولی در متن عقد بدان تصریح نگردد. البته در قانون مدنی تعریفی از این شرط ارائه نشده لکن در برخی مواد مثل مواد ۱۱۱۳ و ۱۱۲۸ از آن استفاده شده است. همچنین باید در نظر داشت که جایگاه شرط تبانی و تفکیک آن از شرط ضمنی عرفی امر لازمی است، زیرا در شرط تبانی، شرط معهود بین طرفین در یک عقد خاصی است اما شرط ضمنی عرفی در همه معاملات متعارف است، اگر چه معهود بین طرفین هم نباشد. به نظر می رسد که علت تأسیس چنین شرطی توسط فقها ارزش گذاری مفاد گفتگوهای پیش از عقد و بازشناسی شروط از اظهار نظر ساده است. نه تنها اموری که در متن عقد به آن تصریح شده لزوم وفا دارد، بلکه شروطی که عقد بر مبنای آن واقع می شوند و بین متعاملین توافق و تبانی وجود دارد، لازم الوفاء هستند. لذا دادرس می تواند برای تفسیر قراردادها به چنین شروطی نیز توجه کافی داشته باشد و حسن نیت و قصد واقعی طرفین از انعقاد قرارداد را کشف نماید.

منابع و مآخذ

- ۱- افتخاری، جواد (۱۳۸۲)، کلیات عقود و حقوق تعهدات، تهران، نشر میزان.
- ۲- ایروانی نجفی، علی (۱۳۸۴)، حاشیه المکاسب، تهران، انتشارات کیا.
- ۳- توحیدی، محمد علی (۱۳۷۷)، تقریر اباحت سماحه آیه الله العظمی السید أبو القاسم الموسوی الخوئی، قم، کتابخانه داوری.
- ۴- تهانوی، محمد اعلی بن علی (۱۳۷۶)، موسوعه کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون.
- ۵- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چاپ ۴، تهران، انتشارات گنج دانش.
- ۶- خدمتگزار، محسن (۱۳۸۹)، تعهد ایمنی در قراردادها، تهران، انتشارات جنگل.
- ۷- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ق)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دار القلم.
- ۸- شرتونی، سعید (۱۴۱۶ق)، أقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، تهران، منظمه الاوقاف و الشؤون الخیریة.
- ۹- شهید اول (بی‌تا)، القواعد و الفوائد، قم، کتابفروشی مفید.
- ۱۰- شهیدی، مهدی (۱۳۸۶)، دوره حقوق مدنی، نظریه عمومی تعهدات، تهران، انتشارات

- ۱۱- شیخ انصاری (بیتا)، کتاب المكاسب، قم، تراث شیخ الاعظم.
- ۱۲- شیخ طوسی، (۱۴۰۷ق)، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۳- شیرزادی، خسرو و مظلوم رهنی، علیرضا و داودپور، حمید (۱۳۹۷)، «شرط تبانی/بنایی از منظر فقهی، حقوقی با تاکید بر دیدگاه استاد جعفری لنگرودی»، فصلنامه تخصصی دانشنامه‌های حقوقی، شماره ۵، صص ۴۱۷-۴۳۸
- ۱۴- صفائی، سید حسین (۱۳۶۸)، حقوق مدنی ۵، جزوه درسی انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
- ۱۵- عاملی، سید جواد (۱۴۱۹ق)، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۶- علامه، سید مهدی (۱۳۸۵)، شروط باطل و تأثیر آن در عقود، تهران، نشر میزان.
- ۱۷- عمید، حسن (۱۳۸۶)، فرهنگ فارسی عمید، چاپ ۳۷، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۱۸- غروی نائینی، میرزا محمد حسین (۱۳۷۳)، منه الطالب فی حاشیه المكاسب، تهران، مکتب محمدیه.
- ۱۹- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳)، دوره مقدماتی حقوق مدنی: اعمال حقوقی، تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا.
- ۲۰- مشکینی، علی (۱۳۸۱)، اصطلاحات الاصول، چاپ ۸، قم، انتشارات الهادی.

۲۱- معین، محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ معین، چاپ ۳، تهران، نشر زرین.

۲۲- مقصودی، رضا و محقق داماد، سیدمصطفی و علامه، سیدمهدی و مظلوم رهنی، علیرضا و اسدی کوه باد، هرمز (۱۴۰۰)، «شرایط غیرمصرّح صحت و اعتبار شرط در قانون مدنی»، آموزه های فقه مدنی، دوره ۱۳، شماره ۲۴، صص ۳۱۳-۳۴۰

۲۳- ملکی، محمود و ملکی، سعید (۱۳۸۱)، اصول فقه شیعه، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).

۲۴- نجفی راد، محمد حسن (۱۳۹۱)، «ضابطه شناسی صحت و فساد شرط»، فصلنامه فقه، شماره ۷۱، صص ۴۴-۸۹